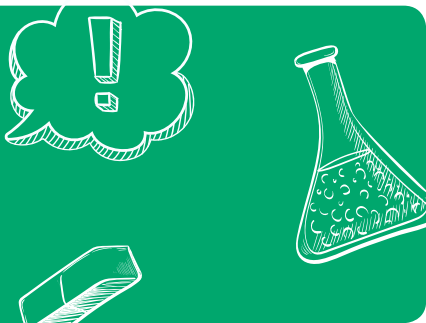


الگوهای طراحی مراکز یادگیری



برنامه‌هایی استفاده شود که به تسهیل ارتباط کمک کنند. با توجه به اینکه فناوری در یادگیری الکترونیکی عامل اساسی است، اجرای این مدل اهمیت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های «فاوا» را مشخص می‌کند. اما این مدل نشان داده است که شبیه‌سازی آموزش سنتی در محیط برخط (آنلاین) به هیچ عنوان موفق نیست. لازم است به نیازهای یادگیرندگان توجه شود و تغییرات مورد نیاز را در روش‌های آموزشی در محیط برخط به وجود آورد.

الگوی اشور

الگوی اشور با عنوان الگویی مطمئن، به معلمان کمک می‌کند، از رسانه‌های آموزشی در کلاس درس به گونه‌ای مؤثر استفاده کنند. در واقع، الگوی اشور نوعی راهنمای عملی برای طراحی و اجرای آموزش است. بعد اصلی این الگو ضرورت بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی در فرایند آموزش و تدریس است. این الگو را نه تنها می‌توان برای تدریس موضوع‌های درسی در آموزش عمومی به کار برد، بلکه برای محیط‌های تجاری و صنعتی، و تربیت نیروهای انسانی نیز می‌توان از آن استفاده کرد. الگوی اشور را هینیچ، مولندا، راسل و اسنالدینو ارائه کرده‌اند. این الگو شش گام دارد. با توجه به اینکه الگوی اشور در طراحی مرکز یادگیری نقش جامع‌تری دارد، گام‌های آن را تشریح می‌کنیم:

گام اول: تحلیل ویژگی‌های یادگیرندگان

در گام نخست باید یادگیرندگان شناخته شوند. این کار از طریق تحلیل توانایی آنان میسر می‌شود. معلمان باید به خصوصیات دانش‌آموزان همچون سن، جنس، پایه تحصیلی و وضعیت فرهنگی توجه کنند. برای موفقیت در این گام استفاده از پیش‌آزمون ضروری است.

گام دوم: بیان هدف‌های آموزشی

گام دوم در طراحی آموزشی، بیان هدف‌ها در قالب عبارت‌های خاص و مشخص است. هدف‌ها باید در قالب آنچه یادگیرنده قادر به انجام آن است (رفتار مخاطب)، و به‌عنوان بازده آموزش بیان شوند. شرایطی که دانش‌آموز به انجام یک عمل می‌پردازد یا شایستگی خود را نشان می‌دهد نیز باید ذکر شود. بهتر است معلمان در تهیه و بیان هدف‌های

تاکنون متخصصان تعلیم و تربیت الگوهای متفاوت و متعدد طراحی آموزشی را تدوین و در اختیار دست‌اندرکاران آموزش قرار داده‌اند. برخی از این الگوها برای طراحی مراکز یادگیری قابل استفاده و استناد هستند. در این بخش به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

مدل P₃ یا زنجیره افراد، فرایند، برونداد

مدل P₃ مدلی جامع‌ای از آموزش الکترونیکی ارائه می‌دهد و چارچوبی مفهومی برای آشنایی بیشتر با آموزش الکترونیکی فراهم می‌کند. در این مدل تلاش می‌شود مراحل متفاوت فرایند آموزش الکترونیکی بررسی شود و نقش‌ها و مسئولیت‌های هر یک از افراد دخیل در فرایند، به‌طور مفصل توضیح داده شود. تفکیک اجزای یادگیری الکترونیکی به سه بخش افراد، فرایند، و برونداد، توضیح هر بخش به‌صورت تفصیلی، از مزایای این مدل محسوب می‌شود. مهم‌ترین ایراد مدل P₃ این است که هدف نهایی آموزش را تولید محتوای موردنظر می‌داند. این مدل برای نظریه‌های جدید یادگیری اهمیت چندانی قائل نمی‌شود.

مدل‌های مبتنی بر اجتماعات یادگیری

«مدل اجتماع تحقیقی» درک عمیقی از ویژگی‌های یادگیری الکترونیکی و هدایت و راهنمایی برای یادگیری عمیق از طریق استفاده از یادگیری الکترونیکی، به آموزشگران می‌دهد. براساس نظر طرفداران این مدل‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی به تدریج درمی‌یابند که محتوای یک تجربه آموزشی به‌تنهایی تعیین‌کننده کیفیت یادگیری نیست. مدل اجتماع تحقیقی سه عنصر کلیدی دارد که باید در برنامه‌ریزی و ارائه تجربه یادگیری الکترونیکی مورد توجه قرار گیرند. این سه عنصر عبارت‌اند از: حضور شناختی؛ حضور اجتماعی؛ حضور تدریس.

مدل یادگیری تقاضاگرای مک‌دونالد

هدف اولیه این مدل تشویق مؤسسه‌های آموزشی به ایفای نقش فعال در استفاده از فناوری در فرایند تدریس است. این مدل بر سه تقاضای مصرف‌کننده تأکید دارد: محتوای با کیفیت بالا، شیوه ارائه و خدمات. محتوا باید رقابتی، تحقیقی و معتبر باشد. لازم است شیوه ارائه وب‌محور و به‌صورت الکترونیکی باشد. همچنین، باید از



هدف‌های آموزشی توسط دانش‌آموزان ارزشیابی می‌شود، بلکه میزان کارایی رسانه‌های آموزشی، تناسب روش‌های آموزشی و ... نیز باید ارزشیابی شود.

جمع‌بندی

الگوی اشور نوعی راهنمای عملی برای طراحی و اجرای آموزش است. نمونه کاربرد عملی این الگو عبارت است از:

تحلیل یادگیرنده

- آیا دانش‌آموزانی در کلاس وجود دارند که ناتوانی یادگیری خاصی داشته باشند؟
- نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس جدید چیست؟

بیان هدف‌های آموزشی

- میزان تحقق هدف‌های آموزشی توسط دانش‌آموزان چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟

انتخاب رسانه، مواد و روش

- چه رسانه‌ای برای آموزش درس جدید مؤثر است؟
- آیا برای تدریس تنها می‌توان از کتاب درسی استفاده کرد؟
- آیا رسانه موردنظر در حال حاضر در دسترس قرار دارد؟

به کارگیری رسانه‌ها

- آیا من آمادگی استفاده از رسانه‌ها و مواد آموزشی را دارم؟
- آیا همه آن‌ها به درستی کار می‌کنند؟

مشارکت یادگیرنده

- دانش‌آموزان چگونه می‌توانند در فرایند آموزش مشارکت کنند؟
- آیا آن‌ها مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت در کلاس درس براساس روش تدریس موردنظر را دارند؟

ارزشیابی و بازنگری

- آیا دانش‌آموزان توانستند مطالب جدید را خوب یاد بگیرند؟

آموزشی به مواردی همچون مخاطب، رفتار، شرایط و معیار توجه کنند. برای مثال، از دانش‌آموز (مخاطب) انتظار می‌رود یک مقاله ۳۰۰ کلمه‌ای را با بهره‌گرفتن از مقاله‌های متفاوت در مورد «مسواک‌زدن» بنویسد و چهار فایده (معیار) برای مسواک‌زدن بیان کند (رفتار).

گام سوم: انتخاب روش‌ها، رسانه‌ها و مواد آموزشی

در این قسمت، پس از آنکه عمل تحلیل مخاطبان و بیان هدف‌های آموزشی انجام شد، به نظر می‌رسد گام شروع آموزش (دانش، مهارت و نگرش فعلی مخاطب) و همچنین گام پایانی آموزش (هدف‌های آموزشی) مشخص شده است. در این مرحله باید بین این دو نقطه پیوندی برقرار شود. بهتر است معلمان برای تحقق هدف‌های آموزشی، از روش‌های تدریس جدید، مانند روش اکتشافی، و پرسش و پاسخ، استفاده کنند.

گام چهارم: به کارگیری رسانه‌ها و مواد آموزشی

پس از آنکه مواد آموزشی انتخاب، اصلاح یا طراحی شدند، برای بهره‌گیری از آن‌ها باید طرحی اندیشیده شود. نخست مواد آموزشی و فعالیت‌هایی را که در نظر دارید، بازبینی کنید. سپس دانش‌آموزان را آماده کنید و تجهیزات و امکانات مورد نیاز را فراهم آورید. آن‌گاه مواد آموزشی را در اختیار مخاطبان بگذارید.

گام پنجم: مشارکت یادگیرندگان

مشارکت یادگیرندگان در کلاس درس، برای آنان بازخوردهایی فراهم می‌آورد که بتوانند صحت پاسخ‌های خود و میزان یادگیری خود را درک کنند. اگر بتوان دانش‌آموزان را در ارائه مواد آموزشی مشارکت داد، فضای یادگیری فعال‌تر می‌شود. با پرسش سؤال‌های مناسب، بحث گروهی، کار گروهی و با سایر فعالیت‌هایی که مستلزم کار و فعالیت دانش‌آموزان است، می‌توان آنان را از حالت شنونده صرف بودن خارج کرد.

گام ششم: ارزشیابی و بازنگری آموزشی

برای آنکه بتوان سیمای کاملی از آموزش به دست آورد، ارزشیابی از کل فرایند آموزش ضروری است. از این رو، نه تنها میزان تحقق